دو عضو اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» دلایل سقوط ۹۵ درصدی صادرات فرش را تشریح کردند

صنعت فرش هم تحریم آمریکاست هم تحریم داخلی

روزنامه فرهیختگان
صدای نخبگان جوانان

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

قرن‌ها فرش دستبافت یکی از نمادهای فرهنگ و هنر ایرانی بوده است. این هنر- صنعت که نقشی مهمی در اشتغال و صادرات کشور داشته، آمارها حکایت از آن دارد که امروز حال آن چندان خوب نیست؛ چراکه طبق داده‌های گمرک ایران، صادرات فرش دستبافت کشورمان از حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ با سقوط آزاد عجیب‌وغریبی به ۵۰ میلیون دلار در سال ۱۴۰۱ رسیده است. همچنین سهم این صنعت از کل صادرات غیرنفتی کشور که در دهه ۷۰ حول‌وحوش ۲۰ تا ۳۰ درصد و حتی نیمی از صادرات غیرنفتی بوده حالا حتی به نیم‌درصد هم نمی‌رسد. در کنار این موضوع، زمانی بخش قابل توجه از بازار جهانی در دست فرش دستبافت ایران بود اما حالا این مقدار به کمتر از ۵ درصد رسیده است.

«فرهیختگان» برای پاسخ به این سوال که دلیل سقوط آزاد صادرات فرش دستبافت ایران چه بود، گفت‌وگوی مفصلی با حمید ذوالانواری، عضو اتاق بازرگانی شیراز و ایران و مرتضی میری، عضو اتاق بازرگانی تهران و ایران انجام داده است. هر دو عضو اتاق بازرگانی که از قدیمی‌ها و افراد استخوان‌دار صنعت فرش دستبافت ایران هستند، در تحلیل دلایل سقوط آزاد صادرات این صنعت می‌گویند گرچه بخشی از کاهش صادرات ایران به‌دلیل افزایش رقابت بین صادرکنندگان جهانی رخ داده، اما سقوط آزاد صادرات اولا به‌دلیل تشدید تحریم‌های ظالمانه آمریکا و در مرتبه بعدی به‌جهت تحریم‌های داخلی است. به گفته آنان ازجمله مهم‌ترین تحریم‌های داخلی می‌توان به کم‌توجهی دولت‌ها به این صنعت در سیاست‌های ارزی و تجاری (ندیدن مسائل صنعت فرش در سیاست رفع تعهد ارزی) اشاره کرد.

* * *

جناب ذوالانواری قبل از اینکه به آسیب‌شناسی تحولات اخیر صنعت فرش بپردازیم، قدری درخصوص اهمیت این صنعت در اقتصاد ایران بفرمایید.

ذوالانواری در سطح جهان، کشورمان ایران را مهد فرش می‌دانند و فرش برای ما هویت فرهنگی است. بحث ایران‌شناسی که باشد همیشه ایران را به فرش و یا فرش را به ایران می‌شناسند. یکی از نکات جالب توجه این صنعت این بوده که تولید فرش در بین همه اقوام ایران‌زمین به‌عنوان یک هنر از قرن‌ها پیش رایج بوده است. گرچه تولید فرش در برخی جاها کمتر و در برخی جاها بیشتر بوده، اما همواره پرچمی برای هر قوم و اقوامی در سرزمین ایران بوده است. از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، انواع و اقسام فرشبافی با انواع و اقسام تکنیک‌ها و نقوش مختلف داریم که همین موضوع صنعت فرش ایران را جذاب و پرتنوع ساخته است. این نقوش به پرچم قومی یا طایفه‌ای که تولیدکننده آن نوع فرش‌ها بودند، تبدیل شده و حتی فرش‌های شهرها نیز دارای سبک و سیاق خاص خود است که هویت آن محله یا شهر و روستا را نشان می‌دهد. اقتصاد فرش هم بسیار حائز اهمیت است، تولیدکنندگان فرش دست‌بافت در ایران گرچه در شهرهای کوچک و بزرگ نیز حضور پررنگی دارند؛ اما بخش بزرگی از بافندگان در روستاها بوده و بسیاری از اینها را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. این ترکیب تولیدکنندگان خرد باعث شده فرش همیشه یک کمک‌هزینه‌ای برای معیشت خانوارهای روستایی و حتی خانوارهای ساکن شهرهای کوچک و جمعیت زحمتکش عشایری باشد. یک حسنی که فرش دستبافت داشته و دارد این است که برخلاف سایر کالاها که پس از استفاده چند دقیقه‌ای نیز تبدیل به کالای دسته دوم یا کارکرده شده و از ارزش آنها کاسته می‌شود، اما در موضوع فرش دستبافت اگر فرش پس از چندین سال مستعمل هم شد، تازه اصطلاحا صادراتی شده و می‌تواند برای مملکت ارزآوری ایجاد کند. تعداد زیادی از مشاغل وابسته به فرش هستند که برخی از آنها اعم از ریسندگی، دامداری، رنگرزی فرش، رفوگری فرش، شست‌وشوی آن و خدمات و سرویس فرش است که در این زنجیره ارتزاق می‌شدند و شغل ایجاد می‌کردند. درمجموع صنعت فرش دستبافت، یک بستر بسیار بزرگ و چرخه بزرگی را شامل می‌شود که به‌علل مختلف ریزشی برای این صنعت از نظر تعداد بافنده و دست‌اندرکار تولید فرش ایجاد شده ولی این پتانسیل بازهم علی‌رغم همه بی‌مهری‌ها از سوی مسئولان دست‌اندرکار هنوز هم برای ایران عزیز وجود دارد.

جناب میری برای آشنایی مخاطبان با اهمیت صنعت فرش، قدری در مورد تحولات این صنعت بفرمایید. در مورد تعداد فعالان این صنعت، میزان ارزآوری یا گردش مالی صنعت فرش دستبافت اطلاعاتی در دست است؟

میری فرش پدیده‌ای است که سراسر پهنه جغرافیایی ایران در دورافتاده‌ترین نقاط تولیدکننده دارد و اتفاقا همین گستردگی آن است که باعث می‌شود قدری در تهیه آمار قابل اتکا، آماری که مراجع رسمی بتوانند تایید کنند، دچار مشکل می‌شویم. به یاد دارم زمانی مرکز ملی فرش در دو دوره قبل از مرکز آمار ایران درخواست کرد در سرشماری رسمی کشور یک سوال اضافه کنید که فرد یا خانوار در زمینه فرش فعالیت می‌کند و فرش می‌بافید یا خیر تا آماری در این خصوص به‌دست بیاید. مرکز آمار یک صورت حساب سنگینی برای مرکز ملی فرش تهیه کرد که موضوع منتفی شد و نتوانستیم آمار رسمی بگیریم. آن چیزی که متولی دولتی فرش یعنی مرکز ملی فرش عنوان می‌کند این است که قریب‌به دو میلیون نفر اشتغال مستقیم و نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر اشتغال غیرمستقیم در این زنجیره گسترده درحال‌حاضر مشغول به‌کار هستند. برخی از اینها آمار مستندتری دارد مثل بافندگانی که ثبت‌نام کردند و کارت بافندگی گرفتند که چیزی نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر هستند و یا کسانی که از بیمه قالی‌بافی استفاده می‌کنند که درحال‌حاضر نزدیک به ۲۴۰ هزار نفر در سراسر کشور هستند و نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر در صف پیوستن به بیمه‌شدگان حوزه بیمه قالی‌بافی قرار دارند که متاسفانه آنها هم پذیرفته نمی‌شوند. اما در حوزه صادرات در طلایی‌ترین دوره که ابتدای دهه ۷۰ بود، صادرات فرش دستبافت ایران حدود دو میلیارد و ۱۱۲ میلیون دلار بوده که این رقم هیچ‌گاه دیگر تکرار نشده است.

این مقدار معادل ۴۰ تا ۵۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی کشور بود؟

میری: بله در اوایل دهه ۷۰ نیمی از صادرات غیرنفتی کشور را فرش دستبافت تامین می‌کرد. آن زمان این میزان اهمیت به پتروشیمی، فولاد، خودرو و این نوع صنایع داده نمی‌شد. به‌هر‌حال بخشی از موضوع مربوط به این مساله است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ ارقامی همچون ۹۰۰ میلیون دلار، ۸۰۰ میلیون دلار و ۶۰۰ میلیون دلار نیز داشتیم که میانگین ۱۰ ساله قبل از تحریم‌های آخر (تحریم‌های سال ۹۷) حدود ۴۱۶ میلیون دلار بوده، یعنی بین سال‌های ۸۶ تا ۹۶ اگر میانگین بگیریم این میزان خواهد شد و در سال ۹۶ آخرین سالی که منتهی به ۹۷ یعنی خروج آمریکا از برجام، تحریم‌ها و سیاست رفع تعهد ارزی بود، صادرات ما ۴۲۶ میلیون دلار بوده که بعد از آن سقوط آزاد صادرات این صنعت شروع شد و ظرف سه سال به زیر ۱۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۴۰۱ به ۵۰ میلیون دلار رسید و امسال هم فکر می‌کنم حول و حوش ۴۰ میلیون دلار خواهد بود.

جناب ذوالانواری یک آسیب‌شناسی داشته باشیم، چه دلایلی باعث شد صادرات فرش دستبافت ایران دچار این سقوط آزاد شود؟

ذوالانواری: این حوزه بسیار گسترده است. آن سال‌های طلایی شاید فقط یک ایران بود و یک جهان و رقیب‌هایی همچون انواع پارکت و کفپوش‌های دیگر آنچنان مثل الان باب نبود و بقیه کشورها نیز فرصت بزرگ شدن نداشتند، یعنی بعدا دیدیم کشورهایی همچون هند، پاکستان، افغانستان، چین و نپال شروع به فرشبافی کردند. آنها صنعت فرشبافی داشتند اما فرشبافی گسترده‌ای نداشتند. ولیکن به‌تدریج با توجه به مشکلاتی که در داخل برای فرش دستبافت ایران به‌وجود آمد، فرصتی برای کشورهای رقیب فراهم شد که بزرگ شوند، یعنی غول‌هایی بودند که خفته بودند یا پروبال نداشتند اما متاسفانه فرصت و فضا برای حضور آنها ایجاد شد. در بازارهایی که ما نتوانستیم شرکت کنیم و حضور ما متوقف شد، آنها جایگزین ایران شدند و طبیعتا بافندگی خود را توسعه دادند و به یکباره شاهد بودیم چندین غول بزرگ با حمایت‌های زیاد دولت خود، در مقابل ما قرار گرفتند و ما که این همه حوزه فروش گسترده داشتیم و توان فروش ما بالا بود، تجار ما باید با آنها وارد جنگ و رقابت فروش می‌شدند. این علل خیلی گسترده‌ای دارد ولی اگر به آمار نگاه کنید تا یک جاهایی صادرات فرش ما بد نبوده است، حتی با اینکه تحریم بودیم صادرات ما کمتر از ۴۰۰ میلیون دلار نبود، اما سقوط آزاد فرش زمانی آزاد شد که ما دچار تحریم داخلی شدیم. این ضربه نهایی را به فرش زد و شاید آقای میری بتوانند بیشتر توضیح دهند؛ ولی نقطه سقوط ما از آن موقعی بود که دچار تحریم‌های داخلی شدیم.

منظور از تحریم‌های داخلی چیست؟

ذوالانواری: یکی از این موارد مساله رفع تعهد ارزی برای صادرکنندگان فرش دستبافت بود. چون سیاستگذاران به پروسه تولید و فروش و چرخه صادرات فرش مسلط نبودند، برای فرش دستبافت نیز نسخه‌ای را نوشتند که برای پتروشیمی، خودرو و صنایع کوچک نوشته شده بود. درصورتی‌که هر یک از اینها بیماری خاص خود را دارد. فرش یک سیستم فروش خاص خود را دارد. صادرکننده فرش روزی که فرش خود را صادر می‌کند مبنای فروش فرش نیست بلکه فرش تازه از ایران خارج می‌شود و در یک‌سری انبارهای فروش و مبادی فروش فرش در آلمان، در هامبورگ یا در سوئیس، در زوریخ قرار می‌گیرد تا صادرکننده با تاجر کشور ثالث ملاقات کند و فرش را بفروشد. دولتمردانی که آن زمان این قوانین را وضع کردند، این مسائل را ندیدند و هیچ مشورتی با بخش خصوصی نکردند. شرایط صادرات فرش ما را به جایی برده که امروز فکر می‌کنیم باید چه کار کنیم و متاسفانه هر یک روز نبودن در بازار از دست دادن فرصت است.

جناب میری تحلیل شما چیست؟ چند درصد از دلیل سقوط آزاد صادرات فرش دستبافت را با سیاست رفع تعهد ارزی مرتبط می‌دانید؟ البته بخشی از کاهش صادرات از سال‌های قبل اتفاق افتاده بود.

میری: از گذشته اگر بخواهیم شروع کنیم من فکر می‌کنم در همه دولت‌ها نوعی بی‌مهری و بی‌توجهی به فرش وجود داشته است. دلیل این است که گمان می‌کنم دولت‌ها در حوزه و جایی که هزینه و از مواهب آن استفاده نمی‌کنند، گمان می‌کنند همیشه وجود دارد و نیازی به توجه و کمک و هزینه و سرمایه‌گذاری ندارد. چون آن چیزی که می‌گوییم در فرش هزینه کنند، منظور سرمایه‌گذاری است. یعنی برای تبلیغ، ترویج و حمایت از فعال حوزه فرش که تبعا آورده آن بسیار بالا خواهد بود. وقتی در تمام طول این سال‌ها این دو میلیون اشتغالی که اشاره کردم، ۱۰۰ درصد روی دوش بخش خصوصی است و شاید یکی از مردمی‌ترین حوزه‌های اقتصادی در کشور فرش دستبافت باشد، به همین دلیل دولت‌ها بدان توجه نکردند. مظهر اصلی توجه نکردن این است که در سیاستگذاری، در وضع مقررات و قوانین، تفاوت ماهیت فرش با سایر حوزه‌های صنعتی و صادراتی را در نظر نمی‌گیرند. برای فرش با یک کالای صنعتی که شما با یک نمونه می‌توانید از آن میلیون‌ها عدد بفروشید با همان فرمول می‌خواهند سیاستگذاری کنند درحالی‌که برعکس بقیه کالاها بازاریابی فرش از زمانی آغاز می‌شود که فرش در انباری در خارج از کشور بنشیند! نکته دیگر این است که تبصره‌ای در آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی داریم که می‌گوید هر کالای ایرانی که صادر شده اگر عینا به کشور برنگردد باید حقوق ورودی پرداخت کند. درباره فرش هم این تبصره جاری است، درحالی‌که در مورد فرش امکان احراز اینکه فرشی که صادر شده، مستعمل صادر شده یا نو صادر شده و الان مستعمل برمی‌گردد، برای گمرک وجود ندارد چون اساسا ۸۰-۷۰ درصد فرش صادراتی ایران فرش مستعمل است و طبیعتا این در حوزه فرش قابلیت اجرا ندارد. این مانع ایجاد کرده و تبعات جدی داشته است. حدود هفت سال پیگیری می‌کنیم و نمی‌توانیم این را رفع کنیم چون به تفاوت ماهیت توجه نشده و برای کسی هم اهمیتی ندارد. در سالیان اخیر رفتار متولی دولتی فرش کاملا این کم‌توجهی و بی‌مهری را عیان کرد؛ وقتی بدون دریافت نظر بخش خصوصی وزارت صمت می‌خواهد آن را از خود جدا و به وزارت گردشگری و میراث فرهنگی بدهد، که ما نمی‌گذاریم. بعد آن را با مرکز دفتر صنایع ورزش و خلاق ادغام می‌کند که این نوع نگرش به فرش را به خوبی نشان می‌دهد. طبیعی است این نوع نگاه به صنعت فرش خود را در کاهش میزان صادرات و کاهش میزان اشتغال نشان می‌دهد.

ارزآوری و صادرات فرش با سیاست‌های غلط امروز به جایی رسیده که دوستان سازمان توسعه تجارت می‌گویند این مقدار، درآمد بنگاهی است، نه بخش کامل، ارزآوری آن پایین آمده ولی اشتغال آن همچنان همان اهمیت سابق را دارد.

ببینید براساس خبری که اعلام شده، قرار است یک خودروسازی خصوصی تاسیس شود. گفته می‌شود برای اشتغال ۶ هزار و ۹۰۰ نفر باید ۱۵ هزار میلیارد سرمایه‌گذاری کند. به عبارتی، سرانه هر شغل ۲ میلیارد و ۱۷۳ میلیون می‌شود. شما حساب کنید همین دو میلیون نفر شاغل صنعت فرش دستبافت اگر هرکدام شغل خود را از دست بدهند، دولت باید یک تا دو میلیارد برای اشتغال آنها هزینه کند، اینجاست که به ارزش واقعی فرش پی می‌برید. به عبارتی دولت باید مدام به خودش بگوید اگر این بخش خصوصی نبود و اگر این فرش نباشد، این هزینه به دولت تحمیل می‌شود. ضمن اینکه اینها در روستاها زندگی می‌کنند و اگر شغل خود را از دست بدهند، باید به جمعیت حاشیه‌نشین شهری اضافه شوند که مشکلات خاص خود را دارد. مضافا اینکه فرش در بسیاری از مناطق مکمل اقتصاد کشاورزی بوده و حتی می‌تواند اقتصاد کشاورزی را هم تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین مجموعه‌ای از بی‌توجهی‌ها و بی‌مهری‌ها در همه دولت‌ها موجب این مشکلات شده است. البته تعداد این مشکلات خیلی زیاد نیست، یعنی مشکلات اساسی حوزه فرش ۸-۷ مورد بیشتر نیست. مستند اتحادیه را دارم که در سال ۶۳ که من به دنیا آمدم مطلبی چاپ کرده و مسائل فرش را در آن بیان کرده است که همچنان الان هم همان مسائل پابرجاست. در سال ۷۸ در مجله اتحادیه گزارشی وجود دارد که اعضای هیات‌مدیره اتحادیه به دیدار رئیس مرکز توسعه صادرات وقت رفتند که بعدا سازمان توسعه تجارت شد، مشکلات را لیست کردند که همچنان امروز هم همان است و مقداری سال به سال بدان اضافه می‌شود و متاسفانه در این مدت نتوانستیم این مسائل را حل کنیم.

الان مدت زمان رفع تعهد ارزی چقدر است؟

میری: الان یک‌سال است. صحبت ۱۸ ماه شد که آن را ابلاغ نکردند و بعدا صحبت از ۳۶ ماه شد که آن را هم ابلاغ نکردند. واقعیت این است که زمان به ما خیلی کمک نمی‌کند. اصل مساله تعهد ارزی مشکلی است که همه صادرات را درگیر کرده. این را هم بیان کنم در طول سال‌های بعد از انقلاب در دوره سه رئیس‌جمهور آمریکا فرش ایران تحریم شد. به دلیل همین اهمیتی که در حوزه اشتغال در سراسر پهنه جغرافیایی ایران بیان کردم، آمریکایی‌ها فهمیدند این نقطه‌ای است که می‌توان روی آن فشار آورد و نارضایتی ایجاد کرد، برای همین تحریم کردند و نزدیک به ۲۵ سال از سال‌های بعد از انقلاب فرش تحریم مستقیم بود. این باعث شد بخش خصوصی برای نقل و انتقال مالی یک شبکه مویرگی بسازد. موضوع تعهد ارزی یکی از مسائل اصلی که دارد این است که شبکه نقل و انتقال مالی را کلا از رده خارج کرد، به دلیل روش‌هایی که بانک مرکزی پیشنهاد می‌کرد که روش‌های مناسبی نبود، روش‌هایی نبود که بتوانیم با آن کار کنیم که همواره سخت‌تر شد. در حوزه تعهد ارزی سه مشکل وجود دارد. یکی اینکه این سیاست مثل آن سیاست گمرکی که من گفتم، قابلیت اجرا در حوزه فرش را ندارد چون با ماهیت معاملات فرش ایران در طول سالیان مختلف همخوانی ندارد. مشکل دوم اینکه روی نرخ مشکل داریم. به هر حال وقتی در هیچ‌یک از فرآیندهای پیش‌تولید، تولید و عرضه فرش از هیچ نرخ تشویقی و ترجیحی استفاده نمی‌کنیم، چرا باید مثل کسی که از انرژی ارزان استفاده می‌کند یا واحدی که از مواد اولیه با نرخ ترجیحی استفاده می‌کند یا به هر شکلی از آن امتیاز بهره‌مند می‌شود، ارز خود را در سامانه نیما عرضه کنیم یا با نرخ پایین‌تری عرضه کنیم؟ بنابراین، این مشکلات را در بحث تعهد ارزی داریم.

من یک سوال خارج از فضای سیاست ارزی بپرسم. چقدر در سطح جهان به فرش ایرانی اقبال وجود دارد؟ با وجود رشد رقبای قدرتمند، فرش ایرانی همچنان در دنیا جذاب است؟

ذوالانواری: ابتدای عرایض بیان کردم که تنوع بافت و رنگ و طرح در فرش ایرانی بسیار زیاد است. تمام استان‌های ما به نحوی بافنده دارند یا داشتند. این خود کمک می‌کند فرش ایرانی بتواند سلایق بسیار زیادی را تامین کند، حتی از نظر نوع بافت. اگر بخواهید فرشی را در فلان مارکت پیدا کنید که بگویید من این نقش را دوست دارم ولی قیمت مناسب‌تر باشد، به‌راحتی با توجه به تنوع تکنیک‌های بافتی که در ایران داریم، می‌توانیم چندین نمونه برای او آماده کنیم که سلیقه مشتری را پیدا کند. این گستردگی خیلی وجود دارد. به نظر من این تنوع هیچ‌وقت از بین نخواهد رفت. این قابلیتی است که به جرات می‌توان گفت فقط در فرش ایران برای حضور در بازارهای جهانی وجود دارد. ما هم مهد فرش هستیم و هم خلاقیت داریم و هم فارغ‌التحصیلان خیلی مستعدی داریم و هم نقوش اصیل و فرهنگستان نقوش داریم که میلیون‌ها طرح را شامل می‌شود. مشتری نمی‌تواند از دست اینها در برود. هر سلیقه و نظری را می‌تواند تامین کند. به سوال قبلی شما برگردم که آقای میری توضیح دادند. بعد از پیگیری‌های زیادی که کمیسیون صادرات فرش و اتحادیه صادرکنندگان انجام داد، اتفاقی که افتاده و خیلی خوب است، این است که فقط براساس مواد اولیه‌ای که در فرش دستبافت به‌کار رفته، صادرکننده تعهد ارزی بدهد. این را هم وزیر امضا کرده و هم معاونان و هم بخشنامه‌های آن به وزارت دارایی و گمرکات و بانک مرکزی ارسال شده اما تا این لحظه که خدمت شما هستیم بانک مرکزی آن را عملیاتی نکرده است. این موضوع واقعا برای ما عجیب‌وغریب است.

میری: مضاف بر اینکه این قانون بودجه است، یعنی بند «ک» تبصره ۹ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ است. قانون بودجه‌ای که مجلس تصویب کرده، شورای نگهبان تایید کرده، مجمع تشخیص مصلحت نظام تایید کرده و فرآیندها انجام شده و وزارت صمت ابلاغ کرده ولی بانک مرکزی استنکاف می‌کند.

ذوالانواری: می‌توانید تا ته این ماجرا را بخوانید! در بحث بازاریابی ما، نه بازرگانان قصور کردند، نه تجار و نه بافندگان! همه دست به دست هم این قطار را همیشه پیش بردیم. یک نمونه بیان کنم. به‌طور مثال دولت هند به تجار خود ۱۴ درصد یارانه یا تشویقی به صادرکننده می‌دهد. اما ما باید با دست خالی با هزینه‌های ارز آزاد صادرات کنیم. ارز خود را برای مصارف خود هم نمی‌توانیم استفاده کنیم، یعنی استفاده برای تبلیغات یا نمایشگاه! باید به دولت و بانک مرکزی بدهیم تا به صنایعی بدهد که هیچ قابلیتی در آن نداریم و می‌خواهیم آن را بالا بیاوریم ولی آنچه که داریم را فراموش می‌کنیم. ارز ما را می‌خواهد بگیرد و به فلان صنعتی بدهد که هیچ مزیتی در آن نداریم و در دنیا شناخته‌شده نیستیم ولی آن فرشی که همه دنیا و همه ایران را به فرش می‌شناختند را فراموش کردیم و فشار بر گلوی صادرکننده می‌آوریم و تبعاتش این می‌شود. صادرکننده و تاجر، یک آدم آبرودار و حیثیت‌دار است برای عدم رفع تعهد ارزی، آنقدر قوانین خطرناک و حیثیتی گذاشتند که بازرگان می‌گوید انجام نمی‌دهم ولی تبعات این انجام ندادن بیکار شدن، بدهکاری، مهاجرت و... است. الان سال‌هایی که خشکسالی است را شاهد هستیم. در روستاهایی که خشکسالی هست و تولید دامی و کشت و کار آنها کم است، واقعا فرش به خانواده کمک می‌کند. یعنی هم تولید اضافه می‌شود و هم کمک خانواده است و باعث می‌شود خانواده مهاجرت نکنند و امیدوار باشد سال بعد وضعیت بهتر شود.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

تفاوتی که فرش با سایر صنایع دارد این است که جدای از مباحث اقتصادی و ارزآوری، فرش برای ایران یک میراث معنوی است، چرا دولت از این زاویه به فرش توجه نمی‌کند؟

میری: کاملا درست بوده و فرش برای ایران میراثی معنوی است. نکته‌ای که آقای ذوالانواری اشاره کردند نکته درستی بوده و دلیل آن تنوع قومیت‌هایی است که در ایران وجود دارد و این ایران را از خیلی از کشورها متمایز می‌کند و بالاخره هر قوم و اهالی هر منطقه‌ای در بسیاری از موارد مانند تکنیک بافت، رنگ‌آمیزی، نقوش و حتی متریالی که استفاده می‌کنند با هم متفاوت است و این برای ایران مزیت ایجاد می‌کند. این جنبه فرهنگی که بدان اشاره کردید بسیار می‌تواند در دیپلماسی برای ما کاربرد داشته باشد. من معتقدم فرش دستبافت و صنایع‌دستی و هنرهای ایرانی مهم‌ترین ابزار برای شکست پروژه‌های ایران‌هراسی در همه‌جای دنیاست، یعنی این آثار فاخر ایرانی است که فرهنگ ایرانی و روحیه ایرانی را به همه دنیا معرفی می‌کند و این ظرفیتی است که متاسفانه به‌طور کلی از آن غفلت می‌شود و حتی تخریب شده و نادیده گرفته می‌شود. این ظرفیتی است که در ادوار مختلف استفاده کردیم؛ فرش‌هایی که در سازمان ملل است یا هدایایی که از دیرباز داده می‌شد. فرش ایرانی به‌عنوان یکی از هدایایی که به دربار کشورهای مختلف جهان راه پیدا کرده چون معروف بوده است، ضمن اینکه اگر در تصاویر متعدد دقت کنید حتی سیاستمداران آمریکایی وقتی تصاویر دفتر و منازل آنها منتشر می‌شود، فرش ایرانی را در آن تصویر می‌بینید یعنی همان مثال معروفی است که درباره ژاپنی‌ها و تلفن پاناسونیک روی میز رئیس‌جمهور آمریکا می‌گویند. ما هم فرش ایرانی را داریم که در همه مراکز مهم سیاسی و فرهنگی جهان وجود دارد؛ در کاخ‌های اروپایی وجود دارد، در مهم‌ترین موزه‌های دنیا فرش ایرانی بخش‌های مهم موزه را تشکیل می‌دهد از ژاپن، آمریکا، اروپا و کشورهای منطقه خلیج‌فارس! بنابراین از این ظرفیت فرهنگی اگر استفاده کنیم من فکر می‌کنم هم توفیق اقتصادی و هم توفیق سیاسی خواهیم داشت و هم این ابزاری است که اصلاح مناسبات بین‌المللی را شروع کنیم، اگر بدان توجه درست شود.

اخیرا با ادغام مرکز ملی فرش ایران در صنایع خلاق اسباب بازی، فعالان صنعت فرش اعتراضات زیادی به این موضوع داشتند. نظر شما چیست؟ متولی‌ای که حس کنید فرش را به‌عنوان فرزند می‌پذیرد و برای بزرگ شدن و بلوغ آن کار می‌کند، کجاست؟

ذوالانواری: شکل‌گیری مرکز ملی فرش به پیشنهاد بخش خصوصی بود یعنی خود اتحادیه مرکزی و دست‌اندرکاران بر این شدند برای همسو شدن نظرات و سیاست‌های دولت و بخشنامه‌های مختلفی که از جاهای مختلف صادر می‌شد، نیاز است یک مرکزی باشد که بخش خصوصی بتواند با بدنه دولت ارتباط برقرار کند. با نماینده‌ای که به حرف بخش خصوصی گوش می‌کند و مشکلات را می‌شناسد و انتقال می‌دهد. اساس تشکیل همین بود که سال‌ها و چند دهه قبل مرکز ملی فرش زیرنظر مستقیم وزیر شکل گرفت، حتی در جلساتی نماینده بخش خصوصی و نماینده بخش دولتی در جلسات ریاست جمهوری شرکت پیدا می‌کردند و تبادل نظر می‌شد. متاسفانه همان‌طور که در صحبت‌ها بیان شد بی‌مهری‌ای که به‌تدریج دامن فرش را گرفت این فاصله دورتر و دورتر شد. الان شاهد این هستیم که فرش را در کنار صنایع خلاق و اسباب‌بازی و ورزش قرار دادند یعنی تا این حد ما را بی‌اثر فرض کردند. این همان نشانه‌ای است که عواقب کار را نمی‌بینند. مشکلات پس از اتفاقات را نمی‌بینند. فقط آن لحظه را می‌بینند. شاید تصور مسئولان این است که ارزش صادرات این حوزه کم شده پس نیاز نیست اینقدر بزرگ باشد؛ درصورتی‌که پتانسیل فرش برای مملکت بسیار زیاد بوده و زمانی نیمی از درآمد ارزی مملکت را تامین می‌کرد و امروز به اینجا رسیده یا رساندند و این بخش را نمی‌بینند. اتفاقی که افتاده این است که ما الان زیرمجموعه معاون معاون وزیر شدیم، یعنی از آن جایگاهی که داشتیم نزول پیدا کردیم به معاونت پایین‌دستی معاون وزیر رسیدیم. ما سال‌هاست نتوانستیم مشکلات خود را با آن ارتباطاتی که داشتیم حل کنیم، چگونه می‌توان انتظار داشت در این جایگاه و این سطح سازمانی که قرار گرفتیم، بتوانیم مشکلات را حل کنیم. تمام داد ما بر این است که ارتباطات ما دورتر می‌شود و صدای ما نسبت به مرکزیت دولت نارساتر می‌شود.

درخصوص صادرات مشخص شد که فرش دستبافت ایران سقوط آزاد شدیدی را تجربه کرده است. درباره تقاضای داخلی هم آماری وجود دارد؟

میری: درمورد تقاضای داخلی فرش چون معمولا حوزه ما تولید و صادرات است ترجیح می‌دهم مسئولان اتحادیه صنف فروشندگان صحبت کنند چون آمار دقیق‌تری دارند و بیشتر روی موضوع متمرکز هستند. ولی آن چیزی که می‌توانم بدان اشاره کنم این است که هم برای حوزه صادراتی و هم در حوزه داخلی نیازمند اجرای برنامه‌های تبلیغی و ترویجی برای تبیین ماهیت فرش دستبافت ایران هستیم. بنابراین فکر می‌کنم اهمیت دارد ما بتوانیم به دو نکته بپردازیم. یکی بازشناسی هویت و ماهیت فرش دستبافت در بازارهای داخلی و خارجی است و دیگری تمرکز بیشتر بر وجه هنری فرش. در این دوگانه هنر و صنعت هستیم و عبارت هنر که به کار برده شد من فکر می‌کنم معرف طیفی است که در حوزه فرش ایران تولید می‌شود. برخی به جنبه کفپوش بیشتر نزدیک هستند و برخی از آثار بیشتر به آثار هنری که گاهی اوقات به هنرهای تجسمی هم نزدیک هستند. اگر بتوانیم به این دو مورد بپردازیم تاکید بیشتر هم بر وجه هنری و هم بازشناسی فرش دستبافت ایران با همان ویژگی‌هایی که در بازار داخلی داشته هم توفیق بیشتری خواهیم داشت.

چطور می‌توانیم از این شرایط فعلی عبور کنیم؟

ذوالانواری: من سخنان آقای میری را تکمیل کنم. ببینید خرید فرش سرمایه‌گذاری است چون با توجه به نرخ دستمزد که افزایش آن براساس نرخ اداره کار نیست بلکه براساس نیازهای بافنده در جامعه است، بعضا ۱۲۰-۸۰ درصد افزایش هزینه‌های تولید داریم و طبیعتا روی قیمت فرش قرار می‌گیرد. اگر این اطلاع‌رسانی و تبلیغات انجام شود خریدار متوجه خواهد شد وقتی فرشی را می‌خرد پول خود را سرمایه‌گذاری کرده است. در اقلام دکوراسیون منزل فرش تنها قلمی است که حتی اگر مستعمل شود باز هم ارزش صادراتی داشته و می‌تواند ارزآور باشد.

قابل صادرات است

ذوالانواری: بله. وقتی مستعمل شد پایه صادراتی شروع می‌شود. در هیچ یک از تولیدات مملکت این ویژگی را نداریم که ارزبری هم ندارد، یعنی پشم داخلی و مواد اولیه داخلی است و برخی از تولیدات تا ۲۰-۱۵ درصد ارزبری دارد که بستگی به متریالی دارد که وارد می‌شود. اکثریت تولیدات هیچ ارزبری برای مملکت ندارد. برای اینکه از چالش‌های موجود خارج شویم دولتی‌ها هیچ کاری نکنند و ما نجات پیدا می‌کنیم. ما هر روز باید منتظر باشیم چه چالش جدیدی برای ما درست شده و بعد دنبال رفع چالش برویم. اگر وقت خود را برای توسعه بازار و بازاریابی بگذاریم و در خدمات پس از فروش و حمایت از بافندگی بگذاریم این کمک می‌کند و این باعث می‌شود به کار اصلی برگردیم و واقعا این مسائلی که اگر بخواهیم مویرگی وارد این مسائل شویم هم در این مجال نمی‌گنجد و هم سر شما را درد می‌آوریم چون مسائل خیلی زیاد است. اینها کلان است که بیان کردیم. وظیفه ماست که تلاش کنیم این مسائل را با اطلاع‌رسانی به دولت و جاهایی که باید این صحبت‌ها را بشنوند، بیان می‌کنیم. اگر از فردا صبح هیچ بخشنامه جدیدی صادر نشود مطمئنا خیلی برای ما گره‌گشا خواهد بود.

جناب میری شما هم یک جمع‌بندی داشته باشید.

میری: من به‌صورت فهرست‌وار مشکلاتی که وجود دارد و پیشنهادات را بیان می‌کنم. همچنین درخصوص اهمیت موضوع تحریم باید بیان کنم که تعهد ارزی به خاطر شرایط غیرعادی ناشی از تحریم ایجاد شد پس آن هم منبعث از تحریم است. الان براساس آمارها ۴۴ درصد مقصد فرش دستبافت در دنیا، ایالات متحده آمریکاست، یعنی به دلیل تحریم الان ۴۴ درصد بازار جهانی را نداریم. ۵۶ درصد بازار جهانی پیش‌روی ماست. براساس تحریم‌های ثانویه نیز بخشی دیگر از این بازار را از دست می‌دهیم و تعهد ارزی این شرایط را بدتر می‌کند. مساله اصلی این است که امروز تعهد ارزی تبدیل به قانون شده و حذف آن که مطالبه همه صادرکنندگان از جمله ما است. کمی دشوار و در حدود مقدورات فعلی اجرای بند «ک» تبصره ۴ قانون بودجه را مطالبه می‌کنیم که جدول آن ابلاغ شده و بانک مرکزی استنکاف می‌کند و این استنکاف ترک فعل است.

موضوع تبصره ۱۲۱ قانون آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی است که برای برگشت فرش‌های ایرانی مشکل ایجاد کرده و نتیجه آن انباشت فرش در برخی بازارهاست که قیمت فرش ایرانی را شکسته درحالی‌که می‌توانیم آنها را برگردانیم، تعمیر کرده و به بازارهای جدید صادر کنیم، این هم یک چالش جدی است. با این اقدام هم می‌توانیم بازار قبلی را تنظیم کنیم و هم بازار جدید را تغذیه کنیم. نتیجه اتفاقات چند سال اخیر صنعت فرش دستبافت این بوده که ما شاهد مهاجرت نیروی کار متبحر و ماهر در حوزه مرمت به کشورهای ترکیه و پاکستان هستیم، کسانی که می‌روند تا بتوانند از توانمندی خود برای تامین معیشت استفاده کنند. این را کنار جذب طراحان فرش ایرانی در کشورهای مختلف بگذارید که وضعیت را خراب‌تر و بدتر می‌کند. موضوع تمدید کارت بازرگانی موضوع عامی است. آن را از طریق اتاق بازرگانی پیگیری می‌کنیم. نکته اصلی توجه مسئولان به این حوزه است که قرن‌هاست که فقط از برکات فرش استفاده کردند و امروز این بی‌توجهی انباشته‌ای که وجود دارد کار را به جایی می‌رساند که بخش خصوصی با همه بی‌مهری که وجود دارد هنوز ایستاده و چون سرمایه او در این بخش است هنوز فعالیت می‌کند. به‌طور مثال شخصی در بخش خصوصی علی‌رغم همه گرفتاری‌هایی که داشته کارت بازرگانی خود را نتوانسته تمدید کند و بعد از ۵۰ سال به‌خاطر اینکه محل کسب او در بازار است و سرقفلی دارد و سند ملکی ندارد نتوانسته کارت بازرگانی خود را تمدید کند. همچنین کسی که به‌خاطر موضوع تعهد ارزی نتوانسته صادرات کند این آمار صادرات را کاهش می‌دهد اما همچنان تولید می‌کند و به لحاظ اقتصادی توجیه نخواهد داشت که با این رویه کار کند. توجه داشته باشید با ورشکستگی صنعت فرش مشکلات و هزینه‌های انباشته شده آن به دوش دولت خواهد افتاد که من فکر نمی‌کنم هیچ دولتی بتواند از پس هزینه این ورشکستگی قدیمی‌ترین صنعت کشور بربیاید. بنابراین من فکر می‌کنم مسئولان محترم اگر به کشور فکر کنند به فرش اهمیت بیشتری می‌دهند، به رفع موانع آن کمک می‌کنند و سعی می‌کنند مانع‌زایی نکنند، مثل کاری که در تمام این سال‌ها کردند. چون اگر توجه نکنند بعدها باید تبعات آن را بپذیرند.

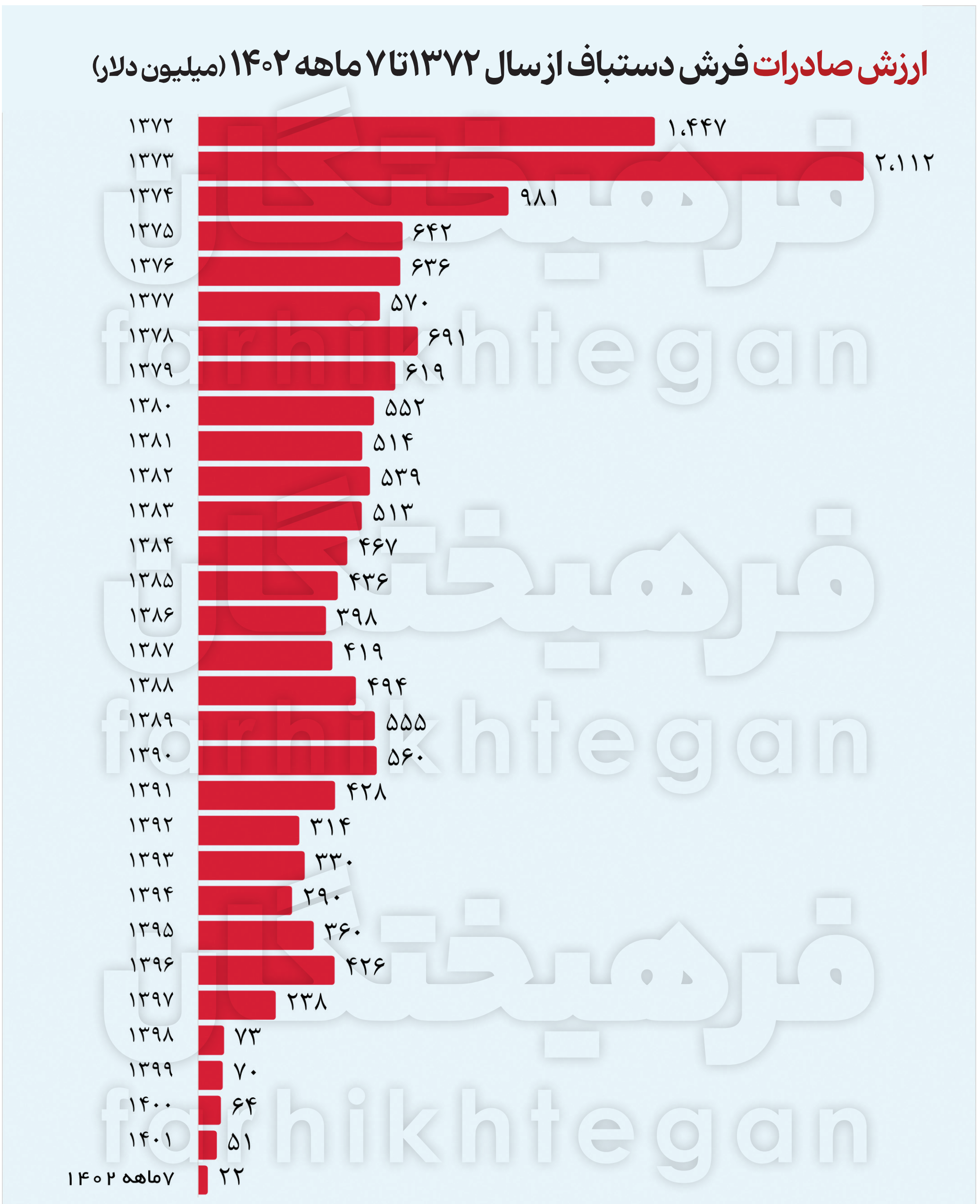

ارزش صادرات فرش دستباف از سال ۱۳۷۲ تا ۷ ماهه ۱۴۰۲ (میلیون دلار)

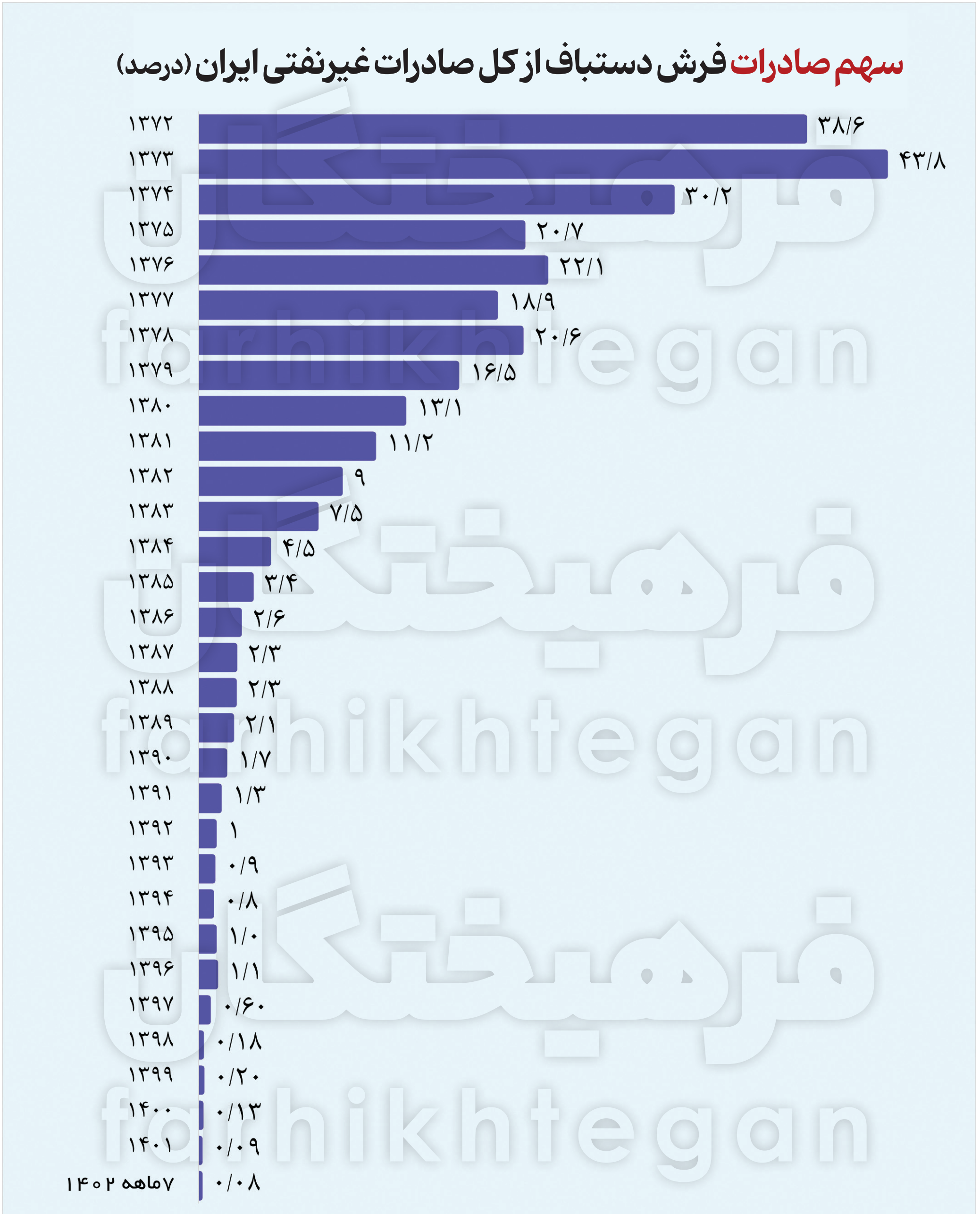

سهم صادرات فرش دستباف از کل صادرات غیرنفتی ایران (درصد)

بحران ۶۵ میلیون مسکن خالی در چین

احسان لطیفی
خبرنگار و مترجم

بخش املاک و مستغلات چین که زمانی موتور معجزه اقتصادی آن بود، اکنون در آستانه یک فروپاشی فاجعه‌بار است. گسترش بی‌امان این بخش که توسط سفته‌بازی‌های بی‌ملاحظه و تسهیلات بی‌رویه ایجاد شده است، ردپایی از ویرانی را به جای گذاشته، توسعه‌دهندگان را در دریایی از بدهی فرو برده و میلیون‌ها خریدار مسکن را در باتلاق آپارتمان‌های ناتمام گرفتار کرده است. این بحران سایه‌ای طولانی بر آینده اقتصادی چین می‌اندازد و نشان‌دهنده طوفانی است که می‌تواند اقتصاد جهانی را فرابگیرد.

قطع ارتباط عرضه و تقاضا

چین به اندازه کافی خانه ساخته که بتواند به بیش از ۹۰ درصد جمعیت خود سرپناه بدهد؛ اما میلیون‌ها واحد از این خانه‌ها خالی مانده است. طبق آمار اداره ملی آمار چین، این کشور در سال ۲۰۲۱ بین ۶۵ تا ۸۰ میلیون واحد مسکونی خالی داشت. این بحران ناشی از قطع ارتباط اساسی بین عرضه و تقاضا در بازار مسکن چین است. توسعه‌دهندگان با امید به افزایش سود، ساخت‌وساز بی‌رویه را آغاز کرده و مجتمع‌های مسکونی وسیعی را در مناطق دورافتاده و شهرهای بی‌سکنه بنا کردند. اگرچه در ابتدای کار، تقاضای کافی برای این خانه‌ها وجود داشت، اما این رفتار بدون توجه به تقاضای واقعی و بلندمدت، منجر به عرضه بیش از حد واحدهای مسکونی شد.

تب شهرنشینی

فرآیند سریع شهرنشینی چین در اوایل دهه ۲۰۰۰ یکی از عوامل کلیدی در برافروختن شور بازار مسکن بود. مهاجرت میلیون‌ها نفر از مناطق روستایی به شهرها به دلیل ترکیبی از عوامل فشاری و کششی رخ داد. از یک سو مناطق روستایی گرفتار فقر، کمبود فرصت‌ها و زیرساخت‌های ضعیف بودند. از سوی دیگر، شهرها نوید مشاغل بهتر، دستمزدهای بالاتر و دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی را می‌دادند. پس تقاضا برای مسکن افزایش یافت؛ اما این افزایش تقاضا با عرضه محدود روبه‌رو شد. در سال ۱۹۸۰، تنها ۲۰ درصد از جمعیت چین در مناطق شهری زندگی می‌کردند. تا سال ۲۰۲۲، این رقم به بیش از ۶۵ درصد رسید. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۲، جمعیت شهری چین به نزدیک ۹۰۰ میلیون نفر افزایش یافت. انتظار می‌رود نرخ شهرنشینی در چین در سال‌های آینده به افزایش خود ادامه داده و تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۷۵ درصد برسد.

باربدهی

توسعه‌دهندگان با بدهی‌های هنگفتی که بیشتر آن متعلق به بانک‌های دولتی بود، به گسترش بازار مسکن دامن زدند. کل بدهی بخش املاک و مستغلات چین به رقم خیره‌کننده پنج تریلیون دلار رسیده که نزدیک به ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. اما باربدهی تنها به تولیدکنندگان ختم نشد. با سوددهی استثنایی بازار مسکن و هجوم سرمایه‌گذاران به این بخش، قیمت خانه سر به فلک کشید و مردم عادی مجبور شدند که هزینه بیشتری برای خرید خانه بپردازند و برای این کار به تسهیلات بیشتری نیاز داشتند. در نتیجه، مجموع بدهی مردم به بانک‌ها افزایش یافت.

سیاست‌های دولتی

در ابتدا، دولت سیاست‌های تشویقی برای خریداران خانه در نظر گرفت و تسهیلات آسانی به آنها اعطا کرد. از سوی دیگر، دولت با ترغیب سازندگان و فروش بی‌رویه زمین اشتهای آنها برای ساخت‌وساز بیش از حد نیاز را تقویت کرد. دولت بعدا تلاش کرد تا وام‌دهی و سفته‌بازی را مهار کند که به عقیده کارشناسان، دیگر برای آن دیر شده بود؛ چراکه با سخت‌گیری در صدور تسهیلات، خرید خانه برای مردم عادی سخت‌تر شده که به کاهش تقاضا بدون کاهش عرضه انجامید. این مساله به اشباع بیش از پیش بازار مسکن و افزایش بدهی سازندگان دامن زد.

تاوان توسعه‌دهندگان و خریداران

این بحران به شدت به توسعه‌دهندگان ضربه زده و بسیاری از آنها را با ورشکستگی یا فروش اجباری دارایی روبه‌رو کرد. شرکت Evergrande که زمانی بزرگ‌ترین توسعه‌دهنده املاک و مستغلات چین بود، در سال ۲۰۲۱ از پرداخت میلیاردها دلار بدهی بازماند و به نمادی از بحران مسکن کشور تبدیل شد. تا سال ۲۰۲۱، کل بدهی این شرکت به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار رسید و آن را به یکی از بدهکارترین شرکت‌ها در جهان تبدیل کرد. این بار بدهی عظیم، همراه با کاهش رشد اقتصاد چین و سخت‌ترشدن شرایط اعتباری، انجام تعهدات مالی برای شرکت را دشوارتر کرد. خریداران مسکن نیز از تاثیر این بحران در امان نمانده‌اند. بسیاری از کسانی که پس‌انداز زندگی خود را در آپارتمان‌های پیش‌فروش شده سرمایه‌گذاری کردند، اغلب با وعده بازدهی بالا، اکنون با املاک ناتمام یا غیرقابل فروش تنها مانده‌اند.

از فرود مدیریت‌شده تا سقوط فاجعه‌بار

آینده بازار مسکن چین نامشخص است. برخی کارشناسان معتقدند که این حباب درنهایت می‌ترکد و منجر به کاهش شدید قیمت مسکن می‌شود. برخی دیگر معتقدند که دولت می‌تواند بازار را تثبیت کرده و از سقوط جلوگیری کند. بااین حال، واضح است که بحران مسکن چین یک معضل جدی است که در سال‌های آینده تاثیر بسزایی بر اقتصاد این کشور خواهد داشت. آینده بحران مسکن در چین می‌تواند طبق چند سناریو پیش رود. در بهترین سناریو، دولت با موفقیت اقدامات هدفمندی را برای مدیریت بخش املاک و مستغلات اجرا کرده و از فروپاشی اقتصادی گسترده‌تر جلوگیری می‌کند. این سناریو شامل یک فرآیند اهرم‌زدایی تدریجی است که در آن دولت از توسعه‌دهندگان حمایت کرده و در عین حال، اقداماتی را برای محافظت از خریداران مسکن و جلوگیری از کاهش شدید قیمت ملک اجرا می‌کند. بااین حال، در یک سناریوی بدبینانه‌تر نیز تلاش‌های دولت برای مدیریت بحران ناکافی بوده و منجر به سقوط فاجعه‌بار بخش املاک و مستغلات می‌شود. این سناریو باعث نکول گسترده، آشفتگی مالی و رکود اقتصادی شدید خواهد شد. تاثیر چنین فروپاشی‌ای نه‌تنها در سراسر چین بلکه در سرتاسر اقتصاد جهانی نیز محسوس خواهد بود.

درس‌هایی برای آینده

بحران مسکن چین هشداردهنده خطرات سفته‌بازی کنترل نشده و افزایش بیش از حد اعتبار است. رشد سریع بخش املاک و مستغلات چین که با پول آسان و بی‌توجهی به شیوه‌های پایدار تقویت شده بود، منجر به ایجاد حباب با ابعاد ناپایدار شده است. اکنون فروپاشی این حباب آسیب‌های اقتصادی شدیدی را ممکن است به همراه داشته باشد. این بحران موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند اقدام فوری و همه‌جانبه است. دولت باید به دلایل زمینه‌ای از جمله سرمایه‌گذاری سوداگرانه، مقررات سهل‌گیرانه و سیاست‌های کاربری زمین رسیدگی کرده و در عین حال، عرضه گزینه‌های مسکن ارزان قیمت را نیز افزایش دهد. ناکامی در اقدام قاطع می‌تواند عواقب گسترده‌ای برای ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی چین داشته باشد. درس‌های بحران مسکن در چین نه‌تنها برای خود این کشور بلکه برای اقتصادهای سراسر جهان نیز قابل اجرا خواهد بود. دولت‌ها و سیاست‌گذاران باید به دقت حباب‌های دارایی را رصد کرده و اقداماتی را برای جلوگیری از رسیدن آنها به سطوح ناپایدار اجرا کنند.